

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات به معنای خاص، جلسه ۱۸

صفات قابل انتقال، بخش ۴، خداوند جلال و شکوهمند است

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه ۱۸، صفات قابل انتقال، بخش ۵ است. خداوند متعال است.

ما مطالعه خود در مورد صفات خدا و به طور خاص صفات قابل انتقال یا مشترک خدا را با یک مضمون، باشکوه به پایان می‌رسانیم و آن این است که خدای ما باشکوه است. خدای مهربان، بخشنده، رحیم سخاوتمند و صبور ما نیز باشکوه است. تعریف جلال خدا به طرز مشهوری دشوار است، اگرچه به بزرگی هر حقیقتی در کتاب مقدس است.

هر بخش اصلی کتاب مقدس به جلال خدا می‌پردازد و بر هر آموزه اصلی تأثیر می‌گذارد. گاهی اوقات جلال خدا به خود خدا اشاره دارد، مانند زمانی که پطرس خدا را پدر می‌نامد، به نقل از جلال باشکوه، دوم پطرس در مورد تجربه تبدیل هیئت بر روی کوه صحبت می‌کند، دوم پطرس ۱:۱۷. این عبارت نادر ظاهراً، ۱:۱۷: روشی عبری برای اشاره به خدا بدون ذکر نام اوست، یک اطناب برای نام خدا.

در موارد دیگر، جلال خدا به یک نقل قول، یک ویژگی یا خلاصه‌ای از یک ویژگی خدا، یک نقل قول نزدیک اشاره دارد. کریستوفر مورگان الهیات جلال خدا را در کتابی با عنوان *جلال خدا*، ویرایش شده توسط مورگان و ارادتمند شما، صفحه ۱۵۷، تدریس کرده است. به عنوان مثال می‌توان به صحبت داوود از خدا به عنوان پادشاه جلال، مزمور ۲۴:۸ تا ۱۰، و صحبت داوود از خدا به عنوان خدای جلال، مزمور ۲۹:۳ اشاره کرد. استیفان او را خدای جلال می‌نامد، اعمال رسولان ۷:۲، و پولس او را پدر جلال می‌نامد، افسسیان ۱:۱۷.

عیسی خداوند جلال است، اول قرن‌تین ۲:۸، و او خداوند جلال ما عیسی مسیح است، یعقوب ۲:۱، تنها اشاره به عیسی به جز سلام در کتاب یعقوب. روح القدس روح جلال و خدا نامیده می‌شود، دوم پطرس ۱:۴. اگر کسی سعی در ترجمه آیات دارد، سریعاً بگویم، داوود از خدا به عنوان پادشاه جلال صحبت می‌کند، مزمور ۲۴:۸ تا ۱۰، و او را خدای جلال می‌نامد، مزمور ۲۹:۳. استیفان خدا را به همین نام می‌نامد. خدای جلال، اعمال رسولان ۷:۲. پولس او را پدر جلال یا پدر جلال می‌نامد، افسسیان ۱:۱۷.

عیسی خداوند جلال است، که حاکمان غیریهودی او را در جهل مطلق خود مصلوب کردند، اول قرن‌تین ۲:۸، و پولس نیز او را خداوند جلال ما عیسی مسیح می‌نامد. متأسفم، یعقوب او را خداوند جلال ما عیسی مسیح می‌نامد، یعقوب ۲:۱، و روح القدس از نظر نام کمتر با جلال خدا در این موارد مرتبط است، اما حداقل یک بار او را روح جلال و روح خدا می‌نامد، اول پطرس ۴:۱۴. روح با جلال خدا بسیار بیشتر از جلالی که در نام روح گنجانده شده است، مرتبط است.

جلال اغلب بر حضور ویژه خداوند تأکید دارد. این درک از جلال، به عنوان مثال، در وقایع پیرامون خروج، به طور برجسته‌ای دیده می‌شود. ابر جلال، خروج ۱۳ و ۱۴، ۱۶:۷، باب ۲۰، باب ۲۴.

همچنین به مکاشفه ۱۵:۸ مراجعه کنید. تجلیات جلال خدا بر موسی، خروج ۱۳ و ۱۴، ۱۶:۷، باب ۲۰، باب ۲۴. ببخشید، این یک اشتباه بود. اینها آیات مربوط به ابر جلال بودند. ۲۴.

ببخشید، تجلیات به موسی، خروج ۳ و ۴، خروج ۳۲ تا ۳۴، و حضور خدا در خیمه، خروج ۲۹:۴۳، خروج تا ۳۸. همه اینها حضور باشکوه عهدی خدا را برجسته می‌کنند ۴۰:۳۴.

این مفهوم جلال خدا همچنین در متون مربوط به صندوق عهد، اول سموئیل ۴ و ۵، پدیدار می‌شود. در متون مربوط به معبد، اول پادشاهان ۸:۱۰ تا ۱۱، دوم تواریخ ۵ تا ۷. معبد آخرالزمانی در حزقیال، ۱:۴۳ تا شخص مسیح، جلال خدا به روشنی در شخص مسیح پدیدار می‌شود، یوحنا ۱:۱ تا ۱۸، کولسیان ۵. فصل‌های ۱ و ۲، عبرانیان فصل ۱. همچنین، جلال خدا با روح القدس، یوحنا ۱۴ تا ۱۶، و حتی خود آسمان، مکاشفه ۲۱ و ۲۲، مرتبط است. ما سعی داریم چه چیزی را نشان دهیم؟ جلال در سراسر کتاب مقدس جلال خدا، در همه جا، وجود دارد. کتاب مقدس جلال خدا و تجلی آن را در تعدادی از صفات او به هم پیوند می‌دهد.

بنابراین، بین جلال و سایر صفات رابطه‌ی متقابلی وجود دارد. قدوسیت، لاویان ۱۱:۴۴، اشعیا ۶:۱ تا ۸. قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها. تمامی زمین از جلال او پر شده است.

منحصر به فرد بودن، اشعیا ۸:۴۲. قدرت، خروج ۱۳:۲۱ و ۲۲. خروج ۱۶:۱۰ تا ۱۵. رومیان ۶:۴ اشاره‌ای جذاب است. مسیح نه به قدرت پدر، بلکه به جلال پدر برخیزانیده شد.

جذاب است. آیا به این دلیل است که جلال، صفتی خلاصه از صفات خداست و بنابراین می‌تواند جایگزین سایر صفات منحصر به فرد خدا شود؟ شاید اینطور باشد. جلال خدا با زیبایی، عظمت و نیکی مرتبط است.

جلال خدا نیز به کار رفته است، همچنین به اعمال او گره خورده است. آفرینش، پیدایش ۱ و ۲، مزمور ۱۹ نجات، خروج ۲۱:۱۳-۲۲، افسسیان ۱. جلال به کار مشیت الهی گره خورده است، خروج ۱۶:۱۰ تا ۱۲ و خروج ۴۰:۳۶ تا ۳۸.

جلال با کار داوری خدا مرتبط است، اعداد ۱۴:۱۰ تا ۲۳، اعداد ۱۶:۴۱ تا ۴۵، دوم تسالونیکیان ۱:۸ تا ۱۰، و همچنین، جلال خدا با پیروزی او، یعنی پیروز شدن او، مرتبط است. خروج ۱۶:۷ تا ۱۲، مزمور ۵:۵ تا ۱۱. اشعیا ۲:۱۰ تا ۲۱.

حتی شگفت‌انگیزتر این است که کتاب مقدس، جلال خدای سه‌گانه ما را با ایده‌های جامع‌تری مرتبط می‌کند که بر ذات او، حضور او تأکید دارند. خروج ۱۳:۳ تا ۱۸، خروج ۴۰:۳۴. نام و جلال خدا به هم گره خورده‌اند.

کمال و جلال خدا، S و قدوسیت خدا، لاویان ۱۱:۴۴، اشعیا ۶:۱ تا ۸، چهره خدا، روح خدا، با حرف بزرگ اول تیموتائوس ۱:۱۷. از آنجایی که جلال خدا ظاهری است، این جلوه‌ای بیرونی از بسیاری از ویژگی‌های چشم‌اندازی از اعمال خدا و اصطلاحات جامع مرتبط با ذات خداست.

من از این حرف نتیجه‌ای می‌گیرم، اما بگذارید یک بار دیگر هم این کار را بکنم. تا اینجا همین را گفتیم. جلال خدا بسیار عظیم است.

از آنجا که جلال او بیرونی و بیرونی است و از جلال درونی خود او سرچشمه می‌گیرد، تجلی بسیاری از صفات اعمال و اصطلاحات مرتبط با ذات اوست، جلال با صفات، اعمال و ذات خدا مرتبط است. واضح است که جلال درونی و ذاتی خدا باید به صورت جامع بررسی شود. ما بین جلال درونی و ذاتی خدا و جلال آشکار و متجلی بیرونی او تمایز قائل می‌شویم.

به عبارت دیگر، اگر نمایش قدرت خدا، نمایش جلال اوست، اگر نمایش قدوسیت خدا، نمایش جلال اوست، و اگر حضور او معنای اصلی جلال اوست، پس جلال باید چیزی به اندازه کافی گسترده باشد تا چنین توصیفات گسترده‌ای را پوشش دهد. این همچنین سایر داده‌های کتاب مقدس، یعنی داده‌هایی که به غایت نهایی همه چیز مربوط می‌شوند را نیز توجیه می‌کند. کتاب مقدس بارها تأیید می‌کند که فعالیت‌های خدا در خلقت، مشیت، نجات و داوری، همه برای جلال اوست.

با این حال، کتاب مقدس ویژگی‌های مختلفی را ارائه می‌دهد که برای شگفتی به نمایش گذاشته می‌شوند و نمایش این ویژگی‌ها تحت یک ویژگی اصلی قرار نمی‌گیرند، بلکه به عنوان ویژگی نهایی به تصویر کشیده می‌شوند. به عنوان مثال، در خروج، خدا طوری عمل می‌کند که دیگران منحصر به فرد بودن و قدرت مطلق او را در برخورد با فرعون و در آوردن بلاها علیه فرعون و خدایان مصری تشخیص دهند. در رومیان، عمل نجات‌بخش خدا، عدالت، عدالت، خشم، قدرت، رحمت و غنای جلال او را نشان می‌دهد. رومیان ۳:۲۱ تا ۲۶. ۲۰:۹ تا ۲۳. ۲۶.

در افسسیان، خدا برای نمایش نهایی حداقل سه ویژگی عمل می‌کند. فیض، ۱:۶، ۱۲ و ۱۴. مهربانی، ۲:۴ تا ۱۰، حکمت، ۳:۱۰ و ۱۱. در افسسیان، خدا با این هدف عمل می‌کند که سرانجام ویژگی‌های فیض ۱۰. مهربانی و حکمت خود را در آخرت آشکار کند. فیض، فصل ۱، آیات ۶، ۱۲، ۱۴. به ستایش فیض باشکوه او به ستایش جلال او. به ستایش جلال او. مهربانی، افسسیان ۲:۴ تا ۱۰. حکمت در جای‌های آسمانی آشکار خواهد شد. افسسیان ۳:۱۰ و ۱۱. چنین داده‌های کتاب مقدسی نشان می‌دهد که جلال خدا گسترده‌تر از یک ویژگی واحد است.

جلال او با ذات او مطابقت دارد و گاهی اوقات به عنوان نوعی خلاصه از صفات او عمل می‌کند. حتی بیشتر از آن، خدای جلال، داستان و جهان‌بینی کتاب مقدس را شکل می‌دهد. موارد زیر منعکس‌کننده کار خوب است. کاری که درک ما را از جلال خدا بهبود بخشیده است.

من کریستوفر مورگان را شریک جرم خود می‌نامم. ما چندین کتاب را با هم نوشته و ویرایش کرده‌ایم. او استاد الهیات و رئیس دانشکده خدمات مسیحی در دانشگاه باپتیست کالیفرنیا است.

«و می‌توانم بگویم یک شریک عالی». خدای سه‌گانه که جلال دارد، جلال خود را عمدتاً از طریق خلقت حاملان تصویر، مشیت و اعمال رستگاری‌بخش خود نشان می‌دهد. قوم خدا با جلال دادن به او پاسخ می‌دهند.»

خدا جلال را دریافت می‌کند، و از طریق متحد کردن قوم خود با مسیح، جلال خود را با آنها به اشتراک می‌گذارد. و همه اینها به جلال خدا می‌انجامد. به مورگان، *به سوی الهیاتی از جلال خدا*، در آن کتاب *جلال خدا مراجعه کنید*.

این عنوان کتابی است که توسط من و مورگان ویرایش شده است. بیایید در پاراگراف‌های بعدی به هر جنبه از این تعریف نگاهی بیندازیم. یک بار دیگر، خدای سه‌گانه، که ذاتاً باشکوه است، جلال خود را نشان می‌دهد هر آنچه که در پی آن می‌آید، بیرونی است، عمدتاً از طریق خلقت، حاملان تصویر، مشیت الهی و اعمال رستگاری‌بخش او، یعنی رستگاری.

قوم خدا با جلال دادن به او پاسخ می‌دهند. این کاربرد دیگری از ایده جلال است. ما به خدا جلال می‌دهیم.

این نیاز به توضیح دارد. خدا به طرز شگفت‌آوری این ستایش را دریافت می‌کند و جلال خود را با قوم خود به اشتراک می‌گذارد. او از طریق متحد کردن قوم خود با مسیح، جلال خود را با آنها به اشتراک می‌گذارد. و همه

اینها برای جلال اوست. شش جنبه از این جمله قابل توجه

وجود دارد. شش جنبه

اول، خدای سه‌گانه که جلال دارد. جلال خدا ذاتی، درونی، بیرونی و بیرونی است. جلال ذاتی، جلال بیرونی، این اساسی‌ترین تمایز است وقتی که ما مقوله الهیاتی جلال خدا را مطالعه می‌کنیم، که همانطور که دیده‌ایم در هر دو عهد نفوذ دارد. جلال ذاتی خدا، عظمت، ارزش، زیبایی و شکوه اوست. جلال بیرونی او، جلال ذاتی آشکار شده اوست.

اگر پرسیم، این جلال ذاتی چگونه به صورت بیرونی آشکار می‌شود؟ پاسخ این خواهد بود که دوم، خداوند جلال خود را عمدتاً از طریق خلقت، حاملان تصویر، مشیت الهی و اعمال رستگاری‌بخش خود نشان می‌دهد. خداوند جلال خود را در خلقت آشکار می‌کند. مزمور ۱۹:۱، آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند و فلک، عمل دست‌های او را اعلام می‌کند.

مزمور ۱۹:۱. خدا جلال خود را در انسان‌ها، که تصویر او را دارند، نشان می‌دهد. مزمور ۸:۴ و ۵. انسان چیست که او را به یاد آوری؟ پسر انسان چیست که از او مراقبت کنی. او را اندکی کمتر از خدا ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او نهادی.

می‌خواهم به مزمور ۸ بروم. چه مزمور شگفت‌انگیزی. درباره چیست؟ درباره بشریت است و اینکه خداوند تاج جلال و افتخار را بر سر آنها نهاده و به آنها سلطنت بخشیده است.

ببخشید. درست است، اما این به خیری والاتر، خیری بزرگتر کمک می‌کند. هدف والای این مزمور، شرافت و سلطه‌ی انسانی نیست.

این است، ای خداوند، پروردگار ما، نام تو چه باشکوه است در تمام زمین. ای خداوند، پروردگار ما، نام تو چه باشکوه است در تمام زمین. این چارچوب آهنگ است.

این چارچوب است. تو جلال خود را از دهان کودکان و نوزادان بر فراز آسمان‌ها قرار دادی. تو به خاطر دشمنانت قدرت را برقرار کردی تا دشمن و انتقام‌گیرنده را آرام کنی.

وقتی به کار انگشتان تو، کار انگشتان تو، ماه و ستارگان نگاه می‌کنم، وقتی به آسمان تو، کار انگشتان تو، ماه و ستارگانی که تو آفریده‌ای نگاه می‌کنم، انسان چیست که به یاد او باشی و بنی آدم که به او اهمیت بدهی؟ دو بار، مزمورنویس به کلان و سپس به خرد پرداخته است. کلان. پروردگارا، تو جلال خود را بر فراز آسمان‌ها قرار داده‌ای.

خرد. تو قدرت را از دهان نوزادان و کودکان خردسال مقدر کرده‌ای. کلان.

وقتی به آسمان‌ها نگاه می‌کنم، فوق‌العاده‌اند. آنها فوق‌العاده‌اند. با توجه به این، او به ریزی‌بی روی می‌آورد.

یک انسان حقیر، یک انسان فانی، چیست که شما به او توجه دارید و از او مراقبت می‌کنید؟ می‌توانم به طور گذرا به «پسر انسان در زندگی مسیح» اشاره کنم، لقب مورد علاقه او برای خودش، همیشه به صورت سوم شخص، که نه تنها شنوندگانش را در قرن اول گیج می‌کرد، بلکه محققان لیبرال تا به امروز دو منبع از پیشینه عهد عتیق دارند. پسر انسان الهی در کتاب دانیال، دانیال ۷. پسر انسان فروتن، فانی و محدود مزمور ۸:۴.

انسان چیست که شما به او توجه دارید، پسر انسان چیست که از او مراقبت می‌کنید؟ البته، مسیح در تجسم، خدا-انسان است.

او پسر انسان دانیال و پسر انسان مزمور ۸ است. او هم الهی است و هم انسانی. تو او را کمی پایین‌تر از موجودات آسمانی قرار داده‌ای.

و اینک، تاج جلال و اکرام را بر سر او بگذار. او را بر کارهای دست خود مسلط گردانیده و همه چیز را زیر پای او نهاده‌ای.

بقیه مزامیر به سادگی این موارد را فهرست می‌کند و همانطور که آغاز شد، پایان می‌یابد: ای خداوند، پروردگار ما، نام تو در تمام زمین چه باشکوه است. خداوند جلال خود را به طور بیرونی در آفرینش خود اعلام می‌کند. به آسمان و خورشید و ماه و ستارگان فکر کنید.

او جلال خود را بر بشریت مظهر کرده و ما را از جهاتی مانند خود ساخته است. خداوند جلال خود را در مشیت الهی آشکار می‌کند. زیرا مزمورنویس پس از صحبت در مورد مراقبت الهی از جهان و موجودات آن، اعلام می‌کند و در مزمور ۱۰۴: ۳۱ فریاد می‌زند: باشد که جلال خداوند تا ابد پایدار بماند.

باشد که خداوند از اعمال خود شادمان شود، مزمور ۱۰۴: ۳۱. خدا جلال خود را در اعمال رستگاری بخش خود، از جمله خروج، خروج ۱۳: ۱۴ تا ۱۸، و رستاخیز مسیح، اعمال رسولان ۱۳: ۳ تا ۱۵، آشکار می‌کند. این دو مورد شاید مهم‌ترین نمونه‌های جلال ظاهری خدا باشند.

جلال بیرونی. بفرمایید. خروج ۱۳: ۱۴ تا ۱۸، خود خروج در باب ۱۲ و ۱۴: ۱۳ ثبت شده است.

و موسی به قوم گفت: «نترسید، بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز برای شما انجام خواهد داد. زیرا مصریانی را که امروز می‌بینید، دیگر هرگز نخواهید دید. خداوند برای شما خواهد جنگید و شما فقط باید ساکت باشید.»

خداوند به موسی گفت، چرا از من شکایت می‌کنی؟ به بنی اسرائیل بگو که پیش بروند، عصای خود را بلند کنند، دست خود را بر دریا دراز کنند و آن را بشکافند تا بنی اسرائیل از میان دریا بر روی خشکی عبور کنند. و من دل مصریان را سخت خواهم کرد تا از پی آنها بروند. و من بر فرعون و تمام لشکرش، ارابه‌هایش و سوارانش جلال خواهم یافت.

و مصریان خواهند دانست که من خداوند هستم، هنگامی که بر فرعون، ارابه‌هایش و سوارانش جلال یابم. اگر این بزرگترین رویداد، بزرگترین، بله، رویداد، رویداد الهی عهد عتیق باشد، رستاخیز عیسی، که از مرگ او بر روی صلیب جدایی‌ناپذیر است، البته بزرگترین رویداد الهی در عهد جدید است. و اعمال رسولان ۱۳: ۳ تا ۱۵ این را ثبت کرده‌اند.

پطرس در رواق سلیمان موعظه می‌کند. پس از شفا، خدا مردی را که نمی‌توانست راه برود، شفا داد. خدای ابراهیم، اعمال رسولان ۳: ۱۳. خدای اسحاق و خدای یعقوب، خدای پدران ما، بنده خود عیسی را جلال داد، همان کسی که شما تسلیم کردید و در حضور پیلاتس انکارش کردید، زمانی که او تصمیم به آزادی‌اش گرفته بود. اما شما آن قدوس و عادل را انکار کردید و خواستید که یک قاتل به شما عطا شود. و شما آن سرچشمه حیات را که خدا او را از مردگان برخیزانید، کشتید.

ما شاهد این هستیم. خدا در رستاخیز پسرش جلال یافت. بنابراین، شش جمله

اول اینکه، خدا ذاتاً باشکوه است. در واقع نشان دادن این موضوع از نظر کتاب مقدس دشوار است زیرا تقریباً همه متون بیرونی هستند. اما مطمئناً چیزی در خدا وجود دارد، و در خدا جلال وجود دارد، جلال ذاتی

این جلال، جلال بیرونی است. با این حال، نشان دادن آن دشوار است. دوم، خداوند جلال خود را از طریق خلقت، انسان‌ها، مشیت الهی و رستگاری نشان می‌دهد.

سوم، قوم خدا با تجلیل از او واکنش نشان می‌دهند، همانطور که کتاب مقدس اغلب به ما یادآوری می‌کند: مزمور ۱۱۵: ۱. نه برای ما، ای خداوند، نه برای ما، بلکه برای نام تو جلال بده. مزمور ۱۵: ۱. مکاشفه ۱۹: پس از این، یوحنا می‌نویسد، چیزی شبیه به صدای بلند جمعیت زیادی در آسمان شنیدم که فریاد می‌زدند. ۱. «هللویاه! نجات و جلال و قدرت از آن خدای ماست، زیرا احکام او درست و عادلانه است»

زیرا او فاحشه بزرگی را که با جاودانگی‌اش زمین را فاسد کرده بود، داوری کرده و انتقام خون بندگانش را از او گرفته است. نجات، جلال و قدرت از آن خدای ماست. سوم، ما باید در این مورد صحبت کنیم

چطور ممکن است موجودات انسانی، هر چقدر هم که حقیر و گناهکار باشند، حتی مؤمنان، همچنان گناهکار باشند و به لطف الهی نجات یافته باشند. درست است که آنها واقعاً جدید هستند، اما همانطور که آنتونی هوکما در کتاب «نجات یافته به لطف الهی» به ما می‌گوید، ما هنوز کاملاً جدید نیستیم. چگونه می‌توانیم خدا را جلال دهیم؟ پاسخ این است که این در مقایسه با جلال ذاتی او و حتی تجلی بیرونی جلالش، بسیار ناچیز است.

با این وجود، ما به او جلال می‌دهیم، نه اینکه جلال ذاتی او را افزایش دهیم، این پوچ است، اما در شناخت جلال ذاتی و آشکار او. نه به ما، ای خداوند، نه به ما، بلکه به نام تو جلال بده، مزمور ۱۱۵: ۱

چهارم، خدا جلال را دریافت می‌کند، همانطور که در هر دو عهد می‌بینیم. در مزمور ۲۹، رعد و برق، مزمور آیات اول و دوم، مزمور نویس فرشتگان را فرا می‌خواند. ای موجودات آسمانی، جلال و قدرت را به خداوند نسبت دهید. جلال را به خداوند نسبت دهید، نام او را بجا آورید. خداوند را در شکوه تقدس پرستش کنید

در همان مزمور، هنگامی که رعد و برق از دریای مدیترانه به شمال اسرائیل می‌آید، اسرائیل را در بر می‌گیرد و به بیابان می‌رود، مردم در خیمه یا معبد از کلمه معبد استفاده می‌کنند و شکوه و جلال را فریاد می‌زنند. فرشتگان نه تنها به خدا جلال می‌دهند، از نظر فنی نه تنها فراخوانده می‌شوند تا به خدا جلال دهند، در واقع گفته نمی‌شود که آنها این کار را انجام داده‌اند، بلکه می‌توانیم فکر کنیم، فرض کنیم که فرشتگان خوب، بلکه به وضوح قوم خدا، از این آشکار شدن قدرت و جلال کوچک و بی‌اهمیت خدا در رعد و برق، شکوه و جلال خود را فریاد می‌زنند. مزمور ۲۹، آیات اول و دوم، آیه نهم

مزمور ۵۷: ۵ و ۱۱، و سپس مکاشفه ۴: ۸ تا ۱۱، و مکاشفه ۵: ۱۲ تا ۱۴، خدا از پرستش خالصانه قومش لذت می‌برد. خدای من، خدای من، او به ما نیازی ندارد، او به پرستش ما نیازی ندارد، جلال دادن ما به او بسیار ناچیز است. از ازل، پدر، پسر و روح القدس در جلال خود غوطه‌ور بوده‌اند

مزمور ۵۱ و آیه ۱۹. آنگاه تو، ای خداوند، از قربانی‌های درست، از قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های کامل لذت خواهی برد و گاوها بر قربانگاه تو تقدیم خواهند شد. خدا به گاوها، بره‌ها و بزها در قربانی نیازی ندارد؛ همه آنها متعلق به او هستند. اما او یک سیستم قربانی را مقرر کرد و از عطر خوش قربانی و بخور خشنود است و از پرستش قوم خود لذت می‌برد.

یعنی، او تلاش‌های ناچیز آنها برای جلال دادنش را می‌پذیرد. آه، جلال از آن خداست. پنجم، و از طریق متحد کردن قوم خود با مسیح، خدا جلال خود را با آنها به اشتراک می‌گذارد.

پولس در دوم تسالونیکیان ۲:۱۴ می‌گوید: «خدا شما را به وسیله‌ی انجیل ما به این امر فراخواند تا جلال خداوند ما عیسی مسیح را به دست آورید.» این هنوز آینده است. او، شگفت‌آور است که دوم قرن‌تیان ۳:۱۸ می‌گوید: «اکنون ما به وسیله‌ی روح‌القدس از جلالی به جلال دیگر پیشرفت می‌کنیم ۳:۱۸».

پسر، اگر فهمیدنش برای من سخت نیست. این زندگی مسیحی چه کسی را توصیف می‌کند؟ خدا این را می‌گوید، من به آن ایمان دارم، چه بتوانم کاملاً آن را بفهمم چه نه. در هر صورت، خدا ما را نجات داد؛ او عملاً ما را از طریق انجیل فراخواند تا سرانجام بتوانیم جلال مسیح را به دست آوریم.

کولسیان ۳ در این زمینه کاملاً قابل توجه است. چیزی که ما نشان می‌دهیم عبارت چهارم است. خدا نه تنها ذاتاً جلال است، نه تنها جلال ذاتی خود را به صورت بیرونی آشکار می‌کند، بلکه در واقع عبارت پنجم را نشان می‌دهیم.

قوم خدا نه تنها به او جلال می‌دهند، بلکه او را در پرستش جلال می‌دهند. او نه تنها آن جلال را دریافت می‌کند، بلکه به طرز شگفت‌آوری، در فیض، جلال خود را با قوم خود به اشتراک می‌گذارد و آنها را جلال می‌دهد. کولسیان ۳ جای شگفت‌انگیزی است.

می‌گویی مدام این را در مورد کتاب مقدس می‌گویی. نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم. کتاب فوق‌العاده‌ای است.

کولسیان ۳:۱، پس اگر با مسیح برخیزانیده شده‌اید، با مسیح در مرگ او متحد شوید، ۲:۲۰. با مسیح در رستاخیزش متحد شوید، ۳:۱. چیزهایی را که در بالا هستند، جایی که مسیح در دست راست خدا نشسته است، جستجو کنید. ذهن خود را بر چیزهایی که در بالا هستند متمرکز کنید، نه بر چیزهایی که بر روی زمین هستند. آیا منظور او این است که ما نباید به آنچه در این سیاره می‌گذرد اهمیت دهیم؟ اینکه ما نباید مسئولیت‌های خود را در خانواده انجام دهیم؟ مطلقاً نه.

منظور او این نیست، زیرا بعداً در همان فصل، آیات ۱۸ تا ۴:۱، ۳:۱۸ تا ۴:۱، او در مورد، یک قانون خانه‌داری و مسئولیت‌های ما صحبت می‌کند. منظور این است که ما نباید بر مشکلات یا نقاط ضعف خود تمرکز کنیم، بلکه باید بر مسیح متعال تمرکز کنیم، کسی که ما را قادر می‌سازد تا در بحبوحه زندگی خانوادگی و سایر مبارزاتمان برای خدا زندگی کنیم. زیرا شما مرده‌اید، کولسیان ۳:۳. او این را نمی‌گوید، اما منظور او به وضوح در متن با مسیح است.

آنها مردگانی نیستند که او از نظر فیزیکی برایشان می‌نویسد. و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است. و این نکته‌ی مهم، کولسیان ۳:۴، از راه می‌رسد. وقتی مسیح، که زندگی شماست، ظاهر شود، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد.

یکی از راه‌هایی که خدا اتحاد با مسیح را آموزش می‌دهد این است که می‌گوید مؤمنان، به لطف خدا، در روایت عیسی، در داستان او سهیم هستند. به طور خاص، ما با او رنج می‌بریم، با او می‌میریم، با او عروج می‌کنیم، به طور ضمنی. ما با او در دست راست خدا نشستیم، یا با او با خدا نشستیم.

افسسیان فصل ۲:۶. خدا ما را با او در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانده. فکر نمی‌کنم دقیقاً گفته شده باشد که در دست راست خدا هستیم، اما به اصطلاح، ما با او در جای‌های آسمانی هستیم. نه تنها این، بلکه ما نه تنها در رنج‌ها و مرگ عیسی شریک هستیم.

اوه، ما با او برخیزانیده شدیم. آیا این را از قلم انداختم؟ ما با او عروج کردیم، تلویحاً. ما با او در جای‌های آسمانی نشستیم.

اما در دو جا، رومیان ۸، که می‌گویند ما وحی، یک کلام آمدن دوباره، خواهیم داشت. و در اینجا، به وضوح کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که این حس وجود دارد که به واسطه اتحاد با مسیح، مؤمنان به اصطلاح، آمدن دوباره‌ای خواهند داشت. وقتی مسیح، که زندگی شماسست، ظاهر شود، این یک کلام آمدن دوباره، ظهور اوست، آنگاه شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد.

چطور ممکن است که ما ظهور دوباره‌ای داشته باشیم؟ به واسطه اتحاد با مسیح. یک ظهور دوباره واقعی؟ نه. خب، بله.

از نظر روحانی واقعی است، اما ما از نظر فیزیکی با او برنمی‌گردیم. معنی این است که اکنون ما را به پسرش پیوسته و ما را به گناه کشته است، بنابراین به دلیل اتحاد با مسیح در مرگش و همچنین اتحاد ما با مسیح در رستاخیزش، حق ندارد بر ما تسلط یابد، که ما در تازگی حیات زندگی می‌کنیم، هر دوی اینها رومیان ۶ در اوایل هستند. ما به مسیح پیوسته‌ایم، اما اکنون فقط نگاهی اجمالی به معنای آن می‌اندازیم، اما وقتی او دوباره بیاید اتحاد کامل ما با مسیح چنان آشکار خواهد شد که می‌توان گفت با او در جلال ظاهر خواهیم شد.

در آخر، ششم. کتاب مقدس جلال ذاتی را به مسیح نسبت می‌دهد. او آن را به صورت بیرونی در خلقت رستگاری، در حاملان تصویر خود، در تطبیق آنها با تصویر مسیح، در مشیت خود، در خروج و در زنده کردن پسرش از مردگان آشکار می‌کند.

قومش او را جلال و ستایش می‌کنند. او این جلال را دریافت می‌کند. او این جلال را با قومش به اشتراک می‌گذارد.

باید به دوم قرن‌تین ۱۸:۳ اشاره می‌کردم، آیه‌ای که واقعاً نمی‌فهمم. همه ما با چهره‌ای بی‌نقاب، با نگرستن به جلال خداوند، از درجه‌ای به درجه دیگر به همان تصویر تبدیل می‌شویم. اینک معنی آن این است، زیرا این از جانب خداوند که روح است، می‌آید.

من به آن ایمان دارم. در یوحنا ۱۷، عیسی به پدر می‌گوید، من شاگردان مبارز، سرکش و مردد او را به آنها آشکار می‌کنم. من جلال تو را به آنها آشکار می‌کنم.

باشد که چنین باشد. در حال حاضر حس جلال خدا وجود دارد. مطمئناً، هنوز تا حد زیادی اینطور نیست.

اما پولس می‌گوید، خدا اکنون به وسیله روح، مؤمنان را از جلال به جلال تبدیل می‌کند. گفتن به وسیله روح به من کمک می‌کند، اما هنوز هم طاقت‌فرسا است. اما باز هم، اصول من تخیل یا ذهن من نیست.

قانون من کلام خداست. ششم، همه اینها، همه این معانی جلال، به جلال نهایی خداوند مربوط می‌شوند. جلال ذاتی خداوند، ارتباط با کمال و کفایت ذاتی خداوند است.

در رومیان ۱۱:۳۶، پولس نتیجه می‌گیرد، زیرا از او و به وسیله او و تا او همه چیز است. جلال تا ابد از آن اوست. به کولسیان ۱:۱۶ مسیح و عبرانیان ۲:۱۰ مراجعه کنید.

خدا خالق است. همه چیز از اوست. او روزی دهنده است.

همه چیز به وسیله‌ی اوست. او هدف است. همه چیز برای اوست

خدا خالق، نگهدارنده و هدف یا غایت همه چیز است. خدای خودکفا و مستقل از کمال خود می‌آفریند، از کمال خود هدایت می‌کند و بر اساس کمال ابلاغ‌شده‌اش بازپس می‌گیرد. جاناناتان ادواردز با نقل قول از کتاب هدفی که خدا جهان را برای آن آفرید «این موضوع را به خوبی بیان می‌کند»

در کتاب جان پایپر، کتاب ویرایش‌شده، «*شور خدا برای جلالش*». «ادواردز آن را به خوبی به تصویر می‌کشد، نقل قول می‌کند»: کل از خداست و در خداست و برای خداست و او آغاز، میانه و پایان است.» این به نظام‌مندسازی ما پایان می‌دهد

با شرح کتاب مقدس از صفات قابل انتقال خداوند. یک بار دیگر، خداوند شخصی، حاکم، حکیم، راستگو، وفادار، مقدس، عادل، مهربان، بخشنده، رحیم، سخاوتمند، بردبار و باشکوه است

در سخنرانی بعدی خود، به بررسی اعمال خداوند خواهیم پرداخت

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه ۱۸ صفات قابل انتقال، بخش ۵ است. خداوند متعال است